**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**شصت و ششم\_12 اسفند 1397**

یکی از ادله­ایی که برای حجیت خبر واحد به آن استشهاد شده است، سیره عقلا است، فرق بین سیره عقلا با سیره متشرعه واضح است، ما می­خواهیم بگوییم عقل از هر مکتب و دینی که باشند و با هر فرهنگی که باشند در میدان های گوناگون به خبر واحد ثقه عمل می­کنند و ان چیزی است که بالاعیان در سیره عقلا مشاهده می­شود، حال در تقریرات مرحوم آقای صدر اینجور آمده:

فلو کان الشارع لا یرضی بذلک کان علیه ان یردع عن مثل هذا الدیدن (روش) و یمنع عن تعرض اغراضه الشرعیه لمثل هذه العادة فیستکشف من عدم الردع الامضاء

توضیح فرمایش ایشان:

از نظر عنوان، امضا کردن، به غیر از ردع نکردن است، یکیش حرف نزده و ردع نکرده است، ولی یکیش آمده است امضا کرده است. منتها نظر مبارک ایشان این است که گاهی عدم الردع را کنار قرائنی می­سنجیم با توجه به آن قرائن از عدم الردع امضا استفاده می­کنیم و الا صرف عدم الردع لا یدل علی الامضاء.

مثال حجیت ظواهر، عقلا به ظواهر کلام احتجاج می­کنند، اگر حجیت ظواهر را از جامعه بگیرید، نقل و انتقال مفاهیم به سختی است، حجیت ظواهر یک امر عقلائی است، سوال آیا در شناختن دین هم و فهم کلمات قرآن و حدیث هم از همین شیوه ظواهر باید استفاده کرد یا یک شیوه دیگر؟

ما می­بینیم عقلاء به ظواهر عمل می­کنند، این از یک طرف، از طرف دیگر شارع منعی نکرده است، سوم؛ اگر راه دیگری داشت برای نقل و انتقال مفاهیم غیر از ظواهر، اگر طرق دیگری داشت برای تفهیم و تفهم قرآن و حدیث لکان علیه البیان، نمی شود قرآن حجت بر من باشد، شیوه فهمش از نظر من مجهول بماند، اگر شیوه خاصی غیر از ظواهر بود، لکان علیه البیان

چهارم، اگر ردع نکند، امضا هم نکند، شیوه خاصی را هم بیان نکند، یعنی اساس دین تعطیل شد، اساس فهم دین تعطیل شد، و لا یرضی بذلک الشارع قطعا

این چهارتا را کنار هم بگذار، پس ظواهر امضا شارع شده است.

این در مثال ظواهر بود، در باب حجیت اخبار آحاد هم قصه از همین قرار است:

1. بلا شک و بلا شبهه عقلا در مختلف از مسائل اجتماعی، خانوادگی خود به خبر واحد الثقه عمل می کنند.
2. شارع از این سیره ردعی نکرده است.
3. شیوه جایگزینی را هم بیان نکرده است.
4. شارع راضی به این که باب روایات کلا بسته شود و ما بگوییم فقط خبر متواتر نیست. این یعنی تعطیلی دین و تعطیلی احکام دین و فهم متواترات دین.

پس شیوه جایگزین هم بیان نکرده، این یعنی تعطیلی دین و لا یرضی به الشارع فیستکشف منه امضاء الشارع.

مراجعه کنید بحوث ج 4، ص 395 به بعد.

ان قلتَ شارع ردع کرده است، یکی از مقدمات شما این بود که شارع ردع نکرده است ولی شارع ردع کرده است؛ ان الظن لا یغنی من الحق شیئا و لا تقف ما لیس لک به علم این ردع است، دیگر به چه زبانی ردع کند؟ بر واحد ظنی است، علم ندارد.

ایشان پاسخی که در جواب این اشکال مقدری که عرض کردم می دهد این است: در این گونه مسائلی که به این حد از اهمیت است با دو سه تا عموم کلی ردع حاصل نمی شود.

توضیحش این که شما دو تا مطلب را کنار هم بچینید؛ یکی گستردگی عمل به خبر واحد در میدان های مختلف، سیره قطعی عقلا، گسترده ان هم در همه میادین، و دیگری مهم بودن شیوه فهم دین برای شارع، و داشتن روش جهت برای فهم معارف دین

اگر شارع فهم دین را بی قانون و بی روش نمی خواهد، دوم هم گستردگی عمل به خبر واحد، اگر چنین است و در عین حال شارع این شیوه را قبول ندارد، به صرف ان الظن لا یغنی نمی تواند اکتفا کند، باید صراحتا بگوید الخبر الواحد فلا یجوز العمل به، اکتفا کردن به عموماتی که خود ان عمومات در دلالتش بحث است می تواند ان دو امری که گفتیم مهم است محقق کند؟ یک همچین سیره را بخواهد از ریشه بکند؟، با یک زور بیشتری باید بیاید میدان، نه با زور دو تا عموم، صراحتا باید بیاید بگوید و اگر نگوید کلاس فهم دینش را باید تعطیل کند، نگفته و راضی به تعطیل کلاس فهم دینش هم نیست.

صفحه 422؛ ان قلتَ

خبر واحد حجت است ولی خبر واحدی حجت است که اطمینان بیاورد، اطمیناناً شخصیا نه این که حتی اگر اطمینان هم نیاورد، چون ثقه است بگو چشم، نه بگذار من به بیان خود بیایم جلو

ان قلتَ که شما دنبال این بودید که شیوه جایگزین بیاید، شیوه جایگزین هست و ان این است که اگر از خبر واحد اطمینان پیدا کردی به ان عمل کن و الا فلا.

ایشان به بیان ما در جواب این می گوید قلتُ و 8 مورد را که دیروز گفتم را می آورد که با توجه به این 8 مورد سخن از اطمینان شخصی چندان جایی ندارد ولی خبر واحد حجت است دیگر ان 8 مورد را تکرار نمی کنم. پس این از باب حصول اطمینان شخصی هم نیست.

این نهایت توضیح در بیان مرحوم آقای صدر برای اثبات حجیت خبر واحد.

این را هم اضافه می کنم. تازه می توانیم بگوییم نه تنها شارع ردع نکرده است بلکه امضا هم کرده است، روایاتی که دیروز خواندیم حداقلش امضای سیره عقلا است. پس ما نه تنها می گوییم عدم الردع بلکه می گوییم امضا

این فهم بنده است از مجموع 30، 40 صفحه فرمایش ایشان. علیکم بالرجوع

حضرت آقای سیستانی هم در صفحه 148 به بعد، وارد بحث بنا عقلا می­شود،

دلیل بناء عقلا در تقریرات ایشان این است:

انّ العقلا فی امور التکوینیة المرتبطة بجریهم العملی و کذا فی الامور العقلیة التی هی بین الآمر و المامور فی الامور التشرعیه بنائهم علی حجیة خبر الثقة و بضمیمة عدم الردع من شارع یکون هذا البناء العقلائی مُمضاء

این تقریر در ص 148. در صفحه 150 می گوید:

والاستدلال ببناء العقلاء و عدم الردع کثیر فی الفقه و الاصول فقد استدل لحجة خبر الثقة بذلک و کذلک لحجة الید و لحجیة الاستصحاب و ...

لذا باید این مطلب خوب مورد بررسی قرار بگیرد.

ایشان می گیو د بله در مرحله رساندن قوانین و احکام به مردم شما مراجعه کنید، شیوه عقلا چیست؟در روزنامه ها نوشته­اند که فلان قانون باید اجرا شود، اما می روید پیش مدیر کل، میگویی این قانون هست؟ می گوید هنوز رسما به ما ابلاغ نشده است.

سیره عقلا هم به همین گونه است می گویند ما یک شیوه خاصی داریم هر وقت از طرف وزیر دستور رسید انجام می دهم و الا فلا. در این گونه میادین عقلا برای خودشان یک حد و رمزی قائل هستند حتی اگر خبر ثقه هم بیاید قبول نمی کنند می گویند این راه خاصی دارد.

دوم عقلا ان جا که می­خواهند به یک خبره مراجعه کنند تا وثوق به خبرویت او پیدا نکنند به قولش عمل نمی کنند حال چه این اخبار خبیر عن حس باشد و چه عن حدس. می گویند خبره­ایی حرفش مورد قبول است که و وثوقی برای ما حاصل کند.

سوم؛ اگر یک خبری که مربوط به امور حیاتی مردم بود، من الامن و الاقتصاد او غیرهما مما یرتبط، بشئون الامة این جا وقتی قبول می کنند که تفحصی در کنارش باشد به صرف اینکه یک گوینده ایی ثقه چنین خبری را بدهد نمی پذیرند حتی اگر ثقه باشد.

چهارم؛ اگر یک ثقه ایی یک شعری را خواند که من تا حالا از حافظ نشنیدم، من تا به حال اطلاعاتی که از حافظ داشتم این شعر را نشنیده بودم، قبول نمی کنم می گویم باید بروم ببینم. اگر یک نسخه ایی از حافظ داشتم که درش یک شعری بود که در دیگر نسخه های دیگر یا نبود یا طور دیگری بود این جا فحص می کنم که حقیقت چگونه است، این نیست که به مجرد سماع از ثقه قبول کنم.

پنجم؛ در خرید و فروش اگر تاجری بخواهد یک معامله سنگینی را انجام دهد به صرف اینکه یک خبر ثقه ایی آمد آیا همه سرمایه خود را میریزد به بازار یا می رود تحقیق و تفحص می کند. این جا با تفحص و تحقیق جلو می آید

و خلاصة الکلام انا لا نعلم بناء العقلا فی اخذهم بخبر الثقة فی جمیع امورهم

آن مقدمه ایی که جناب صدر داشت که در میادین مختلف عقلا به خبر واحد عمل می کنند این مورد خدشه است

بل الامور متفاوة ففی بعضها یعملون علی وفق خبر الثقه و فی بعضها لا یعملون علی وفقه بل یعملون بالاطمینان و ان یحصل لهم الاطمینان فیعملون علی وفق قانون معادلة الاحتمال و المحتمل.

احتیاج به توضیح دارد این اشء الله فردا.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.